

بسم الله الرحمن الرحيم

«مقتبس ها از خطبه جمعه ۸ ژوئن ۲۰۱۸ م»

رحمت من دربرگیرنده همه چیزهاست

حضرت امیر المومنین سیدنا میرزا مسرور احمد ایدہ اللہ تعالیٰ بنصرہ العزلیفہ ی پنجم حضرت مسیح موعود علیہ السلام می فرمایند:

ایشان فرمودند: واكتب لنا فی هذه الدنيا حسنة..... والذین هم بایا تنا یومنون....خدای متعال به بندگان خود عجب لطف و احسان می کند طوری که از این آیه بر می آید، خدای متعال می فرماید که رحمت من همه چیز را دربرگرفته است. معنی رحمت نرمش داشتن، مهربان بودن، همدردی و تراحم نمودن است. یعنی خدای متعال با بندگانش آنچنان برخورد نرم و عفو و گذشت می نماید که هیچ حدی ندارد. عاطفه رحمت و این رفتار خدای متعال آنقدر زیاد است که به همه چیز محیط است. رحمت او شامل صفت رحمانیت و رحیمیت خدای متعال می باشد. این رحمانیت است که او در دنیا بسیاری از چیزها را بدون طلب و خواستن انسان آفریده است. و رحیمیت، صفتی است که او برای کسانی جلوه گر می سازد که حق خدای تعالی را می پردازند، طبق فرامینش عمل می کنند، درپیشگاه وی خم شده از او دعا می کنند. این جا خدای متعال می فرماید که هدف من ایذا رساندن به بندگان نیست. بعضی ها این اشتباه بزرگ می کنند که می گویند: اگر خدا می خواست انسان را عذاب دهد و قهر خدا را ببیند پس چه لزومی به آفرینش او بود اما خداوند می فرماید: هدف من این نیست. آری، آن کسانی را اعمال زشت خود را به منتها می رسانند آنها مورد قهر و مجازات من می شوند. اما این عذاب من هم موقتی می باشد و برای منظور اصلاح و متوجه نمودن است حتی روزی فرا می رسد که اهالی دوزخ هم مورد رحمت وسیع من قرار می گیرند. و عذاب آنها به پایان خواهد رسید. کیفر جهنم نیز به سبب بد اعمالی آنها خواهد بود. و آن مجازات موجب اصلاح آنها می شود. پس اگر به این موضوع دقت شود، کیفر دوزخ نیز با هدف اصلاح است و این دوران کیفر جهنم هم به یک لحاظ رحمت خدا می باشد.

اولین شرطی برای دست آوردن رحمت خدا، تقوی است

سپس در جای دیگر خداوند متعال می فرماید: ان رحمۃ الله قریب من المحسنین که همانا رحمت خدای متعال به محسنان است. محسن کسانی اند که کارهای خود را با رعایت تمام شروط انجام می دهند. پس کسی که مقتضیات تقوا را به نحو احسن انجام می دهد..... آن صاحب زمین و آسمان می فرماید که اگر شما تقوا را پیشه کنید و به فرامین عمل کنید و به نشانه هایمان ایمان بیاورید، آنگاه حتماً حقدار رحمت من خواهید شد. این جا خدای متعال اولین چیز، تقوا بیان فرموده است. و در واقع اگر تقوا به درستی درک شود، در آنگاه نیکی های دیگر و کاملتر شدن ایمان تحت پوشش تقوا قرار می گیرد.

حضرت مسیح موعود علیه السلام در این باره جایی می فرمایند: تمام زیبایی معنوی انسان منوط به گام زدن بر تمام راه های باریک تقوی است. راه های ظریف تقوی نشانه های لطیف و نماد های خوش نمای زیبایی درونی است.

و بدیهی است که امانت های خداوند متعال و عهد و پیمان های ایمانی تا حد مقدور رعایت کردن و سر گرفته تا پا تمام اعضا و تمام قوا که انسان دارد که از آنها بطور ظاهری چشم و گوش و دست و پا و اعضای دیگر است و به طور باطنی شامل دل و نیرو های دیگر و اخلاق اند. تا آن جایی که ممکن باشد اینها را به محل نیاز، درست و صحیح به کار بردن است و دوری جستن از مواضع ناجایز و برحذرماندن از حملات پوشیده آنها و در مقابل همین حق بندگان را در نظر گرفتن نیز آن روشی است که تمام زیبایی معنوی انسان به آن وابسته است و خداوند متعال در قرآن شریف بر تقوا، لباس نام نهاده است به همین علت «لباس التقوی» واژه قرآن است. این اصطلاح اشاره به این دارد که زیبایی و حسن معنوی با تقوا ایجاد می شود. و تقوا این است که انسان تمام امانت های خدا و عهدهای ایمانی و همین طور تمام امانت های مخلوق و عهدهایی با آنها را تا حد مقدور رعایت کند. یعنی ظریف ترین ابعاد و جنبه های آنها و امور ریز را هم تا حد توان خود به آنها عمل کند. پس چون انسان این معیار را به دست بیاورد آنگاه انسان به مرتبه ای نایل می شود که رحمت خداوند متعال بر بنده اش به عنوان حقیقت واجب می شود.

وسیله جذب رحمت توبه است

سپس ایشان می فرمایند: وسیله جذب رحمت خداوند متعال توبه و استغفار است. در این راستا که حقیقت و معنای استغفار چیست ایشان می فرمایند. این واژه از واژه غفر گرفته شده است که به معنی پوشاندن است. پس معنی این می شود که خداوند متعال با قدرت خود ضعف طبیعی استغفار کننده را بپوشاند. یعنی آن که استغفار کننده است، هرچه از ضعف فطری اش می باشد و در سرشت بشر برخی ضعف ها وجود دارند، او آنها را بپوشاند، هرگز بروز نیابد. و در اثر این ضعف های فطری هیچ گناهی از وی سرزند. علاوه بر این معنی برای عامه مردم معنی آن بسیار وسیع بیان شده است و دارای این مفهوم می باشد که خداوند آن گناهی را که از انسان صادر شده است بپوشاند و از تاثیرات بد آن مصون بدارد و از کیفر و عقوبتی محفوظ بماند که به خاطر ارتکاب آن مستوجب شده است. اما معنی اصلی و حقیقی آن، همین است که خداوند متعال با قدرت ها خدایی خود استغفار کننده را از بروز ضعف های فطری مصون بدارد و از قوه خودنیروی بیخشد و از علم خود علم عطا کند و از نور خود نور بدهد.

برای مصون ماندن از هر نوع گناه همواره باید به استغفار اشتغال بورزید

آن حضرت با بازتر کردن موضوع استغفار می فرمایند: بعضی افراد اینگونه می باشند که به هنگام ارتکاب گناه از آن به خوبی آگاه می باشند اما بعضی افراد دیگر اینچنین اند که اصلا از این خبر هم ندارند که دارند مرتکب گناه می شوند چرا که آنها نسبت به آن بی حس شده اند یا از روی اشتباه از آنها گناهی سر می زند، آنها این ادراک را نداشتند که ایشان مرتکب

گناهی شده اند، برای همین خداوند متعال همیشه استغفار را لازم قرار داده است. انسان باید برای مصون ماندن از هر گناه اعم از ظاهری و باطنی و چه از آن آگاه باشد یا نباشد و چه از دست و پا و زبان و بینی و گوش سرزند. و برای مصون ماندن از هر نوع گناه همواره باید به اشتغال بورزد تا هیچ کدام عضو انسان گناهی سر نزنند پس پیوسته استغفار کنید. آن حضرت فرمودند: در این روزها دعای حضرت آدم علیه السلام را باید خواند که **ربنا ظلمنا انفسنا وان لم تغفرلنا لنكونن من الخاسرين** که ای خدا، من به خودم ظلم کردم. اگر تو ما را نبخشی و رحم نکنی از زیانکاران قرار خواهیم گرفت. آن حضرت فرمودند: این دعا در گذشته به استجاب رسیده است، زندگی خود را به غفلت سپری نکنید کسی که با غفلت زندگی نمی کند، در موردش هرگز امید نیست که دچار بلایی بالای توان تحملش شود. هیچ بلایی بدون اذن خدا نمی رسد چنانکه به من این دعا الهام شده است: **رب کل شیء خادمک رب فاحفظنی وانصرنی وارحمنی**

تفاوت میان توبه و استغفار

استغفار و توبه دو چیز متفاوت هستند از یک وجه استغفار بر توبه تقدم دارد «یعنی آن برتری دارد» چرا که استغفار پیش از توبه به عمل می آید، چرا که استغفار، آن یاری و قدرت است که از طرف خداوند متعال به دست می آید «از طریق استغفار از خدای متعال قدرت و توانایی جهت مصون ماندن از گناهان حاصل می شود تا انسان از گناهان مصون بماند» اما توبه به معنی روی پای خود ایستادن است. یعنی پس از مصون ماندن از گناهان، با توبه می توان برای همیشه به پایبند ماند. با استغفار برای مصون ماندن از گناهان ددر بارگاه الهی دعا خوانده می شود و توبه برای استوار ماندن به آن است. با توبه این دعا می شود که ای خداوند آنچه برای مغفرت خود دعا کرده ایم به آن پایبند و استوار نیز نگهدار، چنانچه از آتش نجات دادی، برای همیشه نجات بده، هیچ عمل ما با تمام تلاش هایی که انجام داده ایم، باعث ناراحتی ات نشوند تا مبادا دوباره به پله ی اول برگردیم. پس توبه برای همین منظور است. سپس بنده برای بخشش گناهان خود می گوید و اتوب الیه یعنی ما را در اثر استغفار توفیق بده که ما از گناهان همواره دوری جوئیم و همیشه مورد رحم و مغفرت تو قرار گیریم و برای همیشه از آتش هم رهایی یابیم.»

آن حضرت فرمودند: عادت خداوند همین است که هنگامی که انسان از او یاری می طلبد، خدا وی را قدرت و توانایی می دهد و انسان پس از به دست آوردن آن قدرت و طاقت روی پای خود می ایستد و برای انجام نیکی ها قدرتی پیدا می کند که نام آن توبوا الیه است. توفیق تونه بعد از استغفار عطا می شود اگر استغفار در کار نباشد آنگاه حتما یاد داشته باشید که قوه ی توبه از بین می رود. پس اگر اینچنین استغفار کنید و پس از آن توبه نمایید پس نتیجه ی آن این می شود.....خداوند متعال برای شما تا مدت معین پاداش خوبی خواهد داد.. سنت الله به همین منوال ادامه دارد که اگر توبه و استغفار را پیشه کنید، به مراتبی نایل خواهید شد. برای هر کسی دایره ای معین است و طبق همان، وی ترقی و پیشرفت می کند هر کس نمی تواند مقام پیامبر، رسول، صدیق و شهید به دست بیاورد «اما مراتب و درجاتی که برای هر کسی معین شده اند، هر مقام

که هر کسی می تواند به آن برسد، برای تحصیل آن هر کسی ناچار است که تلاش و کوشش کند و این تلاش و کوشش از طریق استغفار و توبه صورت می گیرد.»

شرائط توبه ی راستین و حقیقی

آن حضرت شروط توبه راستین و حقیقی را نیز مطرح کردند. ایشان فرمودند: برای توبه ی راستین سه شرط وجود دارد. اول اینکه ذهن خود را از تمام آن چیزها پاک کنید که در اثر آن افکار فاسد در ذهن متبادر می شوند و این کار تا آن زمان امکان پذیر نیست که شکل زشت این بدی ها را در ذهن خود درست نکنید اگر به امور بد توجه داشته باشید و در ذهن خود شکلی بی نهایت زشت و بد از آنها نسازید در آنگاه مصون ماندن از این بدی ها بسیار سخت است. پس شرط اول این است که آن را از ذهن خود بیرون کنید. از چیزهای زشت با تلاش کوشش بیزاری بجویید. شرط دوم این است که به هنگام ارتکاب هر کار بد یا حتی توجه کردن به بدی ندامت و پشیمانی به وجود بیاید. در ذهن انسان اگر فکری خطور کند بلافاصله شرمندگی و ندامت باید به وی دست بدهد. این فکر و خیال در ذهن پدیدار شود که این بدی ها و لذاتی که من به طرف آن می روم، این..... اینها زندگی مرا نابود خواهند کرد و زمانی فرا می رسد که اینها به پایان می رسند. لذت اینها موقتی و گذرا است گویی به عبارت دیگر سخن وجدان خود را باید گوش بدهید. نهاد و وجدان بشر به هر حال به وی بر حذر می دارد که این چیز بد است یا خوب. هنگامی اینگونه تفکر و تأمل کنید و به حرف های وجدان گوش دهید در آن موقع از بدی ها آهسته آهسته مصون می مانید. شرط سوم این است که عزم و اراده محکم و استوار کنید که من دیگر حتی به نزد این بدی ها هم نخواهم رفت و برای استوار ماندن به این عزم، هم قوه ی ارادی کامل باید باشد و هم دعا. آنگاه این بدی ها به پایان خواهند رسید و جای آنها را نیکی ها خواهند گرفت.